




Pathology of Low Economic Growth in Iran in the 1390s (2010s)

Nasim Ghabashi

PhD student in economics and researcher at the Institute for Strategic Research (Corresponding author).


nasimghobashi@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Negin Kiani deh Kiani

Master of Accounting, Tarbiat Modares University.

neginkiani787@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Low economic growth has been one of the most significant challenges for Iran in the 1390s (2010s), significantly impacting public welfare. Despite the country's access to rich natural resources, a strategic geographical position, and a young and capable workforce, the economic growth outcomes during this decade have been disappointing in terms of improving economic indicators. Central Bank statistics reveal that the economic growth rate in the 1390s was the lowest compared to previous decades. In the years 1391 (2012-2013), 1392 (2013-2014), 1394 (2015-2016), 1397 (2018-2019), and 1398 (2019-2020), Iran experienced significant negative growth rates of -4.3% and -3%, with the average economic growth in the 1390s being around 1%. Moreover, the economic growth of various sectors also followed a highly volatile trend, with some years experiencing substantial negative growth. Among the reasons for the decline in economic growth in the 1390s are factors such as a significant decline in investment, productivity of production factors and foreign trade, along with inflation, sanctions, and external factors like the COVID-19 pandemic. Ayatollah Khamenei has emphasized certain requirements and solutions for economic growth in various statements, including: improving labor productivity, focusing on domestic capacities, addressing justice alongside economic growth, supporting knowledge-based enterprises, preventing raw material exports, directing credit and money supply, reducing imports of consumer goods, combating smuggling, and implementing policies related to Article 44 of the Constitution and downsizing the government.

Keywords: Economic growth, Iran's economy, 1390s (2010s), productivity, investment, capital formation.



مقاله پژوهشی**آسیب‌شناسی رشد اقتصادی پایین ایران در دهه ۹۰ شمسی****نسیم قباشی**

دانش‌آموخته دکتری اقتصاد و پژوهشگر پژوهشکده تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول).

nasimgobashi@yahoo.com

ID 0000-0000-0000-0000

نگین کیانی ده کیانی

کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تربیت مدرس.

neginkiani787@yahoo.com

ID 0000-0000-0000-0000

چکیده:

رشد اقتصادی پایین یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران در دهه ۹۰ شمسی بوده است که در نتیجه آن، رفاه عمومی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفته است. در حالی که کشور در این دوران به منابع طبیعی غنی، موقعیت استراتژیک و نیروی انسانی جوان و توانمند دسترسی داشته اما نتایج رشد اقتصادی در این دهه حاکی از ناامیدی‌هایی در جهت بهبود شاخص‌های اقتصادی بوده است. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد وضعیت رشد اقتصادی در دهه نود در مقایسه با سایر دهه‌ها کمترین میزان را داشته و در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تجربه رشدهای منفی بزرگ ۳/۴- و ۳- را داشته‌ایم؛ به طوری که میانگین رشد اقتصادی در دهه نود حدود ۱ درصد بوده است. از طرفی رشد اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصادی هم همین روند پرنوسان و در برخی از سال‌ها رشد منفی بزرگی را تجربه کرده‌اند. از جمله دلایل کاهش رشد اقتصادی در دهه نود، می‌توان به مواردی همچون کاهش سرمایه‌گذاری، بهره‌وری عوامل تولید، تجارت خارجی، تورم، تحریم و عوامل برون‌زایی همچون کرونا اشاره کرد. آیت‌الله خامنه‌ای مواردی را به‌عنوان الزامات و راهکارهای رشد اقتصادی در بیانات مختلف خود اشاره داشته‌اند که عبارت‌اند از: بهره‌وری نیروی کار، توجه به ظرفیت‌های داخلی کشور، توجه به مقوله عدالت در کنار رشد اقتصادی، توجه به بنگاه‌های دانش‌بنیان، جلوگیری از خام‌فروشی، هدایت اعتبار و نقدینگی، کاهش واردات کالاهای مصرفی، مبارزه با قاچاق و سیاست‌های اصل ۴۴ و کوچک‌سازی دولت.

واژگان اصلی: رشد اقتصادی، اقتصاد ایران، دهه نود، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری، تشکیل سرمایه.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: 10.22034/irsj.2025.503102.1103

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

رشد اقتصادی پایین یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران در دهه ۹۰ شمسی بوده است که در نتیجه آن، رفاه عمومی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفته است. در حالی که کشور در این دوران به منابع طبیعی غنی، موقعیت استراتژیک و نیروی انسانی جوان و توانمند دسترسی داشته اما نتایج رشد اقتصادی در این دهه حاکی از ناامیدی‌هایی در جهت بهبود شاخص‌های اقتصادی بوده است. بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که علل این مشکل را باید در سیاست‌های نادرست اقتصادی، تحریم‌ها، ضعف در مدیریت منابع و ناتوانی در اجرای اصلاحات ساختاری جست‌وجو کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان مختلف خود بر اهمیت توجه به مسائل اقتصادی و لزوم توجه به مشکلات ساختاری در این حوزه تأکید کرده‌اند. ایشان در دیدارهای متعدد با مسئولان و کارشناسان، همواره به‌ضرورت اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی برای رفع مشکلات کشور اشاره کرده‌اند و از آسیب‌های ناشی از رشد اقتصادی پایین هشدار داده‌اند. ایشان درباره وضعیت اقتصادی در دهه نود تصریح داشتند: «ما در دهه ۹۰ به دلایل مختلف یک عقب‌ماندگی و به اصطلاح تعطیل نسبی مسائل اقتصادی داشتیم. نمی‌شود همه را منسوب کرد به ضعف مدیریت‌ها، بخشی مربوط به عوامل خارجی و بیرونی است، بخشی مربوط به عوامل درونی است؛ مسئله تحریم‌ها موثر بود؛ مسئله کاهش ارزش نفت در یک برهه‌ای از زمان موثر بود؛ مسئله تمرکز کشور بر روی مسئله هسته‌ای که اقتصاد را شرطی کرد، موثر بود؛ مسائل گوناگونی این‌جوری موثر بود؛ نتیجه این شد که ما یک دهه عقب‌ماندگی داریم و شاخص‌های منفی، زیاد داریم که آمار متقن مراکز رسمی است؛ یعنی این‌ها ادعا نیست. شاخص‌ها، شاخص‌های منفی است در بخش‌های مهمی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۱۱/۱۰).

مسئله رشد اقتصادی پایین در ایران، به‌ویژه در دهه ۹۰ شمسی، از آنجا اهمیت دارد که این دهه شاهد چالش‌هایی از قبیل تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، تغییرات قیمت نفت، بحران‌های جهانی و مشکلات داخلی اقتصادی بوده است که همگی به مشکلات و پیچیدگی‌های رشد اقتصادی دامن زده‌اند. بر اساس گزارش‌های بانک جهانی (۲۰۲۰)، نرخ رشد اقتصادی ایران در این دهه در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه پایین بوده و این وضعیت موجب کاهش شدید درآمد سرانه و افزایش نرخ بیکاری شده است.

در حالی که کشور ایران از ظرفیت‌های بالقوه‌ای همچون منابع طبیعی و نیروی انسانی ماهر برخوردار است، با این حال به دلایلی چون کم‌توجهی به بخش‌های غیرنفتی اقتصاد، نبود اصلاحات اساسی در ساختار اقتصادی و تکیه بیش‌ازحد بر درآمدهای نفتی، نتوانسته است رشد اقتصادی مطلوبی را تجربه کند.

در این راستا، این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود منابع و امکانات گسترده، اقتصاد ایران در دهه ۹۰ نتوانست به رشد پایدار دست یابد و چه عواملی مانع از تحقق این رشد شده‌اند؟ در این مقاله، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و روشی تحلیلی توصیفی، علاوه بر تبیین وضعیت رشد اقتصادی در دهه نود، به بررسی علل این پدیده پرداخته می‌شود و راهکارهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی ایران ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مطالعات زیادی پیرامون اقتصاد دهه نود انجام نشد است به جز مطالعات محدودی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد:

باقرپور (۱۴۰۳) در مقاله‌ای به تحلیل سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور در دهه نود پرداخت. این مقاله که با تأکید نقش بهره‌وری در رشد اقتصادی صورت گرفته است، وضعیت رشد اقتصادی و بهره‌وری در دهه نود را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده است در اقتصاد ایران بسیاری از ساختارها و سیاست‌های موجود مشوق بهره‌وری یا دست‌کم سازگار با آن نیستند و به‌رغم رشدهای مثبت و منفی در دوره‌های میان‌مدت، رشد شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در بلندمدت حدود صفر بوده است. به عبارتی، نقش بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور صفر بوده است. از این‌رو نباید انتظار رشدهای شایان توجه را در تولید ناخالص داخلی از این محل داشت.

الهایی (۱۴۰۲) در مقاله خود به آسیب‌شناسی وضعیت اقتصادی دهه نود با تأکید بر نظام بانکشستگی پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بدهی کلان سازمان تأمین اجتماعی به بانک‌های تجاری، عدم پرداخت بدهی‌های تجمیعی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، تهاوت شرکت‌های کم‌بازده با بدهی دولت، زیان‌ده بودن و بحران مدیریت در شرکت‌های زیرمجموعه، عدم سرمایه‌گذاری مجدد درآمدهای حاصل از عایدی سرمایه‌گذاری‌های گذشته،

اشتباه در محاسبه بدهی دولت و ... نیز از مهم‌ترین کژ کارکردهای احصا شده در حوزه اجرا هستند. نبود تشکل‌های قوی کارگری و کارفرمایی و ساختار مدیریتی و حاکمیتی سازمان تأمین اجتماعی، لغو بازرسی‌های دوره‌ای از کارخانه‌ها و شرکت‌ها، عدم وجود نظارت دقیق توسط بازرسان بیمه و ... نیز از اصلی‌ترین علل نظارتی وقوع این بحران هستند.

حبیب‌پور مقدم و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به نقش تعارضات سیاسی در افت شدید سرمایه‌گذاری در دهه ۹۰ پرداختند. در این مقاله اشاره شده که سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران از ابتدای دهه ۹۰ با افت شدید و پایداری همراه بوده و سطح سرمایه‌گذاری حقیقی کل در انتهای سال ۱۳۹۷ تقریباً به سطح این متغیر در سال ۱۳۸۱ رسیده است. در این مقاله نشان داده شده که تا ابتدای دهه ۹۰ تغییرات سرمایه‌گذاری (در ماشین‌آلات) را می‌توان توسط یک مدل رگرسیون مرکب از متغیرهای اقتصاد کلان و همچنین متغیرهای سنجش‌گر بی‌ثباتی در محیط اقتصاد کلان، توضیح داد. این مدل قادر نیست افت سرمایه‌گذاری در دهه ۹۰ را پیش‌بینی کند و به نظر می‌رسد عوامل دیگری در کاهش شدید سرمایه‌گذاری در این دوره دارای اهمیت هستند. در ادامه، دو شاخص «تعارضات سیاسی» و «نااطمینانی سیاست‌گذاری اقتصادی» را که با استفاده از روش تحلیل متن و با بررسی مطبوعات و رسانه‌های دیجیتال از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ ساخته شده، معرفی شده است. روند تغییرات این دو شاخص حاکی از درجه بالایی از نااطمینانی در دهه اخیر است.

احمدی برهان آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به بررسی پیچیدگی اقتصاد ایران در دهه نود پرداختند. در این پژوهش ضمن آسیب‌شناسی پیچیدگی اقتصاد ایران پیشنهادهایی ارائه شده است از جمله اینکه در سیاست‌گذاری بلندمدت باید مؤلفه‌های شاخص پیچیدگی اقتصادی در نظر گرفته شود که برای این مهم لازم است دولت بر اجرای صحیح سیاست‌های کلان از جمله سیاست پولی، ارزی، خصوصی‌سازی و بودجه‌ای بر سیاست‌گذاری بلندمدت در سطح صنایع مختلف (صنعت خودرو، بانکداری، بیمه، نفت، پتروشیمی و ...) متمرکز گردد. ایجاد هماهنگی و نظام‌مند کردن سیاست‌گذاری‌های دولت در اقتصاد کلان به انسجام رفتار اقتصادی دولت بستگی دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود علی‌رغم اهمیت ویژه اقتصاد دهه نود، مطالعات محدودی در مورد اقتصاد دهه نود انجام شده است و تاکنون به آسیب‌شناسی رشد اقتصادی پایین دهه

نود صورت نگرفته است و در این پژوهش تلاش است که به ابعاد مختلف رشد اقتصادی در دهه نود پرداخته شود.

مبانی نظری

نظریات مختلفی درباره عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد؛

سرمایه‌گذاری

انباشت سرمایه فیزیکی به افزایش موجودی دارایی‌های فیزیکی یک کشور مانند ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، ابزارها و زیرساخت‌هایی که در فرایند تولید استفاده می‌شوند، اشاره دارد. این انباشت یکی از ارکان اصلی رشد اقتصادی است که در مدل رشد نئوکلاسیک ارائه شده توسط سولو (۱۹۵۶) برجسته شده است.

سرمایه‌گذاری به طریق زیر می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد:

افزایش بهره‌وری: سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی منجر به افزایش بهره‌وری می‌شود، زیرا فرایندهای تولید را کارآمدتر می‌سازد. به‌عنوان مثال، ماشین‌آلات پیشرفته می‌توانند کالاهای را سریع‌تر و با دقت بیشتری نسبت به روش‌های دستی تولید کنند.

اثرات چند برابری: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها مانند جاده‌ها، شبکه‌های انرژی و ارتباطات، فعالیت‌های اقتصادی را از طریق کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، بهبود دسترسی به بازارها و تخصیص کارآمد منابع تسهیل می‌کند (آشاور، ۱۹۸۹).

پذیرش فناوری: سرمایه فیزیکی اغلب فناوری‌های جدید را در خود جای می‌دهد. سرمایه‌گذاری در تجهیزات یا تأسیسات مدرن به اقتصادها اجازه می‌دهد پیشرفت‌های فناورانه را در بر بگیرند و نوآوری و کارایی بیشتری را به همراه داشته باشند (رومر، ۱۹۹۰).

تنوع اقتصادی: با گسترش پایه سرمایه، اقتصادها می‌توانند به بخش‌هایی با نیاز به سرمایه‌گذاری بالا تنوع ببخشند، وابستگی به صنایع اولیه را کاهش داده و ثبات بیشتری ایجاد کنند.

بهره‌وری عوامل تولید

بهره‌وری عوامل تولید که معمولاً شامل نیروی کار و سرمایه می‌شود یکی از عوامل مهم در تعیین رشد اقتصادی است. بهره‌وری به معنای میزان کارایی تبدیل ورودی‌ها به خروجی‌ها است. بهبود بهره‌وری عوامل تولید به اقتصادها این امکان را می‌دهد که با استفاده از همان مقدار منابع، کالاها و خدمات بیشتری تولید کنند و رشد پایدار را ارتقا دهند.

افزایش کارایی: بهره‌وری بالا تضمین می‌کند که منابع، از جمله نیروی کار و سرمایه، به‌طور بهینه مورد استفاده قرار می‌گیرند، اتلاف کاهش می‌یابد و تولید به حداکثر می‌رسد (سولو، ۱۹۵۶).

پیشرفت‌های فناورانه: رشد بهره‌وری اغلب ناشی از پیشرفت‌های فناوری است که کارایی فرایندهای تولید را افزایش داده و محصولات و خدمات نوآورانه ایجاد می‌کند (رومر، ۱۹۹۰). رقابت‌پذیری: افزایش بهره‌وری رقابت‌پذیری یک اقتصاد را در بازارهای جهانی تقویت می‌کند، زیرا شرکت‌ها می‌توانند محصولات باکیفیت را با هزینه کمتر عرضه کنند (پورتر، ۱۹۹۰).

تاب‌آوری اقتصادی: اقتصادهایی با بهره‌وری بالا بهتر می‌توانند شوک‌ها را تحمل کنند، زیرا می‌توانند در شرایط نامطلوب سطح تولید را با ورودی‌های کمتر حفظ کنند (هال و جونز، ۱۹۹۹).

تجارت خارجی

تجارت و جهانی شدن از عوامل کلیدی رشد اقتصادی هستند که به کشورها امکان می‌دهند در اقتصاد جهانی ادغام شوند، به بازارهای گسترده‌تری دسترسی پیدا کنند و از جریان کالاها، خدمات، فناوری و ایده‌ها بهره‌مند شوند. این عوامل فرصت‌هایی برای کارایی، نوآوری و تخصص ایجاد کرده و وابستگی متقابل اقتصادی را تقویت می‌کنند.

تجارت به طریق زیر می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد:

مزیت نسبی و تخصص: تجارت به کشورها اجازه می‌دهد در تولید کالاها و خدماتی که در آن‌ها مزیت نسبی دارند تخصص یابند و به این ترتیب منابع را به‌طور بهینه تخصیص داده و خروجی کلی را افزایش دهند (ریکاردو، ۱۸۱۷)؛ به‌عنوان مثال، کشورهایی که منابع طبیعی فراوان دارند ممکن است بر مواد خام تمرکز کنند، درحالی‌که دیگر کشورها در تولید یا خدمات فناوری برتری پیدا کنند.

گسترش بازار: جهانی‌شدن، تولیدکنندگان داخلی را به بازارهای بین‌المللی متصل کرده و به شرکت‌ها امکان می‌دهد عملیات خود را گسترش دهند، به صرفه‌جویی‌های مقیاس دست یابند و سودآوری را افزایش دهند. بازارهای بزرگ‌تر رقابت را تحریک کرده و موجب نوآوری و بهره‌وری هزینه می‌شوند (کروگمن، ۱۹۸۰).

انتقال فناوری: جهانی‌شدن انتقال فناوری و دانش بین کشورها را تسهیل می‌کند. از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و شراکت‌های تجاری، اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته به ماشین‌آلات پیشرفته، فرایندها و شیوه‌های مدیریتی دسترسی پیدا می‌کنند (گروسمن و هلپمن، ۱۹۹۱).

جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری: سیاست‌های تجاری باز، سرمایه‌گذاری خارجی را جذب می‌کند که سرمایه لازم برای گسترش صنعتی، توسعه زیرساخت‌ها و کارآفرینی را تأمین می‌کند. شرکت‌های چندملیتی اغلب به‌عنوان واسطه‌هایی برای این سرمایه‌گذاری عمل کرده و تخصص و شبکه‌های جهانی را ارائه می‌دهند.

تحرك نیروی کار و توسعه مهارت‌ها: جهانی‌شدن تحرك نیروی کار را ارتقا می‌بخشد و به نیروی کار ماهر اجازه می‌دهد به کشورهای میزبان مهاجرت کرده و به بهره‌وری آن‌ها کمک کنند، درحالی‌که جریان حواله‌ها به نفع کشورهای مبدأ است (بورجاس، ۱۹۹۵).

تورم

تورم که به افزایش پایدار سطح عمومی قیمت‌ها در یک اقتصاد اطلاق می‌شود، یکی از متغیرهای کلیدی در اقتصاد کلان است که تأثیرات زیادی بر رشد اقتصادی دارد. ماهیت تأثیر آن، خواه مثبت باشد یا منفی، بستگی به میزان، پایداری و زمینه اقتصادی دارد که در آن اتفاق می‌افتد.

تورم به طریق زیر می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد:

کاهش قدرت خرید: تورم بالا باعث کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌شود که این امر منجر به کاهش درآمد واقعی و سطح مصرف می‌شود. این کاهش در تقاضای کل می‌تواند رشد اقتصادی را کند کند. برای مثال، افزایش تورم در بریتانیا در سال ۲۰۲۴ با کاهش فعالیت اقتصادی و انقباض GDP به میزان ۰/۱ درصد در ماه‌های متوالی مرتبط بود (The Times, 2024).

افزایش عدم اطمینان اقتصادی: تورم نوسانی باعث ایجاد عدم اطمینان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را دلسرد می‌کند. به‌ویژه در دوره‌های پس از پاندمی، مشهود بود که این عدم اطمینان مانع رشد پایدار می‌شود، همان‌طور که در گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول (IMF, 2024) اشاره شده است.

افزایش نرخ بهره و هزینه‌های استقراض برای مقابله با تورم: بانک‌های مرکزی اغلب نرخ بهره را افزایش می‌دهند که باعث گران‌تر شدن وام‌ها می‌شود. هزینه‌های بالای استقراض می‌تواند مصرف و سرمایه‌گذاری‌های کسب‌وکارها را کاهش دهد. به‌عنوان مثال، افزایش نرخ بهره در ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ باعث کاهش تقاضا در بخش‌هایی مانند مسکن و کالاهای بادوام شد (Conference Board, 2024).

اختلال در تخصیص منابع: تورم قیمت‌ها را مختل می‌کند و باعث می‌شود که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نتوانند تفاوت بین تغییرات قیمت اسمی و واقعی را به‌درستی تشخیص دهند. این اختلال در تخصیص منابع به کاهش کارایی اقتصادی و کند شدن رشد منجر می‌شود.

افزایش نابرابری درآمدی: تورم به‌طور نامتناسبی بر خانوارهای کم‌درآمد تأثیر می‌گذارد که بخش بیشتری از درآمد خود را صرف کالاهای ضروری می‌کنند. این امر نابرابری اقتصادی را افزایش می‌دهد و رشد فراگیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در مطالعات اخیر بانک جهانی (۲۰۲۳) به آن اشاره شده است.

تحریم

تحریم‌ها یکی از ابزارهای اصلی در روابط بین‌الملل هستند که به‌طور معمول توسط کشورهای خاص یا سازمان‌های چندجانبه به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی، دیپلماتیک یا امنیتی اعمال می‌شوند. درحالی‌که هدف تحریم‌ها اعمال فشار بر کشور هدف است، این تحریم‌ها همچنین تأثیرات اقتصادی قابل توجهی دارند که نه تنها در کشور تحت تحریم بلکه در اقتصاد جهانی نیز احساس می‌شوند. اثربخشی تحریم‌ها در دستیابی به اهداف خود و تأثیرات بلندمدت آن‌ها بر رشد اقتصادی از موضوعات بحث‌برانگیز است.

تحریم‌ها می‌توانند به اشکال مختلفی اعمال شوند، از جمله محدودیت‌های تجاری، مسدود کردن دارایی‌ها، تحریم‌های مالی، ممنوعیت‌های سفر و تحریم‌های تسلیحاتی.

رایج‌ترین تحریم‌ها، تحریم‌های اقتصادی هستند که به توانایی یک کشور در انجام تجارت، جذب سرمایه‌گذاری یا دسترسی به بازارهای مالی جهانی هدف می‌زنند.

تحریم‌های تجاری: این محدودیت‌ها مانع یا محدودکننده تجارت میان کشور تحت تحریم و سایر کشورها هستند و تأثیر زیادی بر صادرات و واردات دارند. تحریم‌ها دسترسی به کالاها و خدمات ضروری را مختل می‌کنند و بر صنایعی که به واردات خارجی وابسته هستند مانند فناوری، ماشین‌آلات و انرژی، تأثیر می‌گذارند و دسترسی به بازارهای جهانی برای صادرات را کاهش می‌دهند.

تحریم‌های مالی: این تحریم‌ها شامل محدودیت‌هایی است که مانع دسترسی کشورها به سیستم‌های بانکی بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی یا اعتبار می‌شود. این تحریم‌ها می‌توانند به شدت جریان‌های سرمایه را محدود کرده، فعالیت‌های اقتصادی را مختل کرده و هزینه‌های انجام کسب‌وکار را افزایش دهند.

تحریم‌های بخشی: این تحریم‌ها بخش‌های خاصی از اقتصاد مانند انرژی، بانکداری یا دفاع را هدف قرار می‌دهند و هدفشان آسیب رساندن به صنایع کلیدی بدون انزوای کامل اقتصاد است.

تحریم‌های دیپلماتیک و سفر: درحالی‌که این تحریم‌ها از نظر اقتصادی غیرمستقیم‌تر هستند، اما به انزوای گسترده‌تر کمک کرده و منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و محدود کردن مشارکت کشورها در حکمرانی اقتصادی جهانی می‌شوند.

اعمال تحریم‌ها معمولاً منجر به اختلالات اقتصادی کوتاه‌مدت و پیامدهای بلندمدت می‌شود. درجه تأثیر بستگی به نوع، دامنه و مدت‌زمان تحریم‌ها و همچنین تاب‌آوری اقتصاد هدف دارد.

تأثیرات اقتصادی تحریم

کاهش تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارج (FDI): تحریم‌ها معمولاً موجب اختلالات فوری در تجارت می‌شوند که به کاهش دسترسی به واردات ضروری، مانند فناوری، تجهیزات پزشکی و ماشین‌آلات منجر می‌شود. این محدودیت‌ها همچنین از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) جلوگیری کرده و دسترسی به سرمایه و فناوری را محدود می‌کنند.

افت ارزش پول و تورم: تحریم‌ها می‌توانند منجر به کاهش شدید ارزش پول یک کشور شوند، زیرا سرمایه‌گذاران خارجی از آن کشور خارج می‌شوند و تجارت کاهش می‌یابد. این کاهش ارزش معمولاً منجر به تورم می‌شود، زیرا هزینه واردات افزایش می‌یابد.

اختلال در صنایع داخلی: صنایعی که به شدت به واردات کالاهای ضروری از جمله مواد اولیه، فناوری و ماشین‌آلات وابسته‌اند، معمولاً با مشکلاتی در تولید مواجه می‌شوند که منجر به کاهش تولید داخلی و انقباض اقتصادی می‌شود.

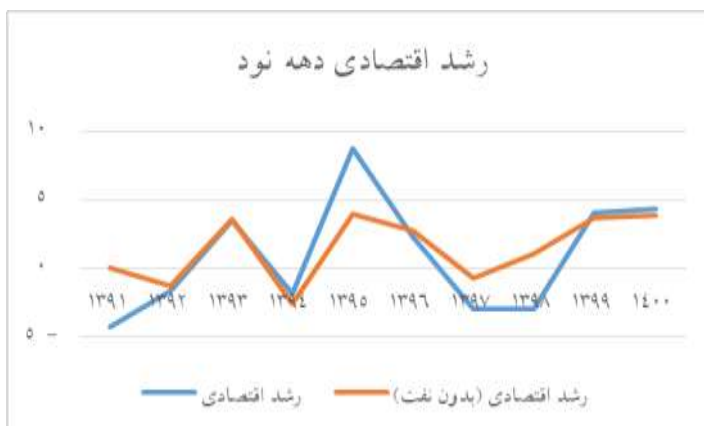
تغییرات ساختاری در اقتصاد: به‌طور بالقوه، کشورهای تحت تحریم ممکن است تغییرات ساختاری قابل‌توجهی در اقتصاد خود ایجاد کنند. برای مثال، ممکن است کشورها به تولید داخلی کالاهای وارداتی روی بیاورند که منجر به توسعه صنعتی در برخی بخش‌ها می‌شود، اما دسترسی محدود به فناوری‌های پیشرفته و سرمایه ممکن است کیفیت و مقیاس این توسعه را محدود کند.

کاهش پیشرفت فناوری: تحریم‌ها که دسترسی به بازارهای جهانی و نوآوری‌های تکنولوژیکی را محدود می‌کنند، می‌توانند منجر به رکود در بخش‌هایی مانند انرژی، مخابرات و تولید شوند. این رکود می‌تواند رشد بلندمدت را با کاهش بهره‌وری و رقابت‌پذیری محدود کند.

افزایش ناکارآمدی‌های اقتصادی: تحریم‌ها می‌توانند کشورهای هدف را به سمت ایجاد ساختارهای اقتصادی ناکارآمد سوق دهند. در غیاب رقابت از شرکت‌های بین‌المللی، صنایع داخلی ممکن است به نوآوری یا بهبود بهره‌وری نپردازند و در نتیجه رشد بالقوه محدود شود.

وضعیت رشد اقتصادی در دهه نود

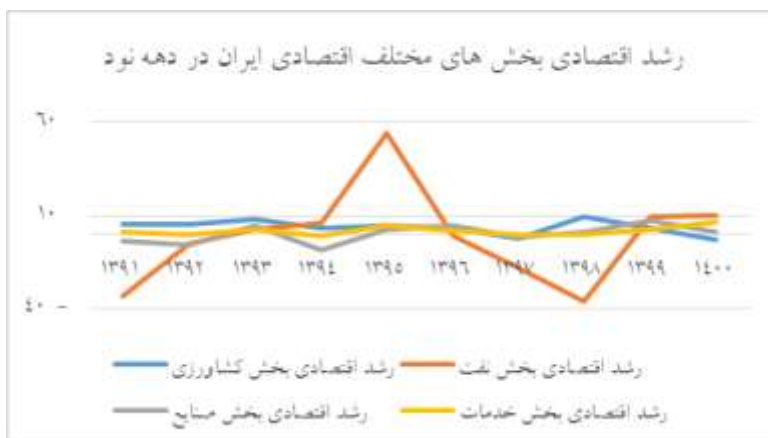
آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد وضعیت رشد اقتصادی در دهه نود در مقایسه با سایر دهه‌ها کمترین میزان را داشته است.



شکل ۱: وضعیت رشد اقتصادی با و بدون نفت دهه نود ایران

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شکل ۱ نشان می‌دهد رشد اقتصادی در دهه نود بسیار پر نوسان بوده است. در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تجربه رشدهای منفی بزرگ $۴/۳-$ و $۳-$ را داشته‌ایم به طوری که میانگین رشد اقتصادی در دهه نود حدود ۱ درصد بوده است. از طرفی رشد اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصادی هم همین روند پرنوسان و در برخی از سال‌ها رشد منفی بزرگی را تجربه کرده‌اند که در شکل ۲ نمایش داده شده است:



شکل ۲: رشد اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصادی ایران در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

رشد اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصادی ایران در دهه نود نیز نشان می‌دهد رشد اقتصادی یک مسیر پرنوسانی را طی کرده است. کمترین میانگین رشد مربوط به بخش صنایع و معادن بوده است که حدود ۰/۰۸ درصد بوده است و بالاترین میانگین رشد اقتصادی را بخش کشاورزی داشته است که حدود ۳/۷۲ درصد بوده است؛ اما پرنوسان‌ترین رشد اقتصادی را بخش نفت داشته است که در سال ۱۳۹۵ رشد ۵۴ درصدی و در سال ۱۳۹۸ رشد ۳۶- را تجربه کرده است.

آمارها نشان می‌دهد رشد اقتصادی در دهه نود نسبت به سایر دهه‌های بعد از انقلاب کمترین میزان را داشته است که علل و عوامل خود را داشته که در ادامه تلاش خواهد شد به ابعاد و دلایل مختلف آن پرداخته شود.

دلایل افت رشد اقتصادی دهه نود

برای رشد اقتصادی دلایل مختلفی ذکر می‌شود که به برخی از آن‌ها که بیشتر جنبه اقتصادی دارد ذکر خواهد شد:

کاهش سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری یکی از عوامل اصلی در رشد اقتصادی است و رابطه مستقیم و حیاتی بین این دو وجود دارد. سرمایه‌گذاری می‌تواند به‌عنوان موتور محرکه‌ای برای توسعه اقتصادی عمل کند و نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود شرایط اقتصادی کشورها ایفا کند. سرمایه‌گذاری از طریق مختلف از جمله افزایش تولید و بهره‌وری، اشتغال، افزایش تقاضای داخلی، انتقال فناوری و نوآوری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت بخش‌های غیرنفتی می‌تواند به رشد اقتصادی منجر شود.



شکل ۳: روند موجودی سرمایه خالص در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که در شکل شماره ۳ قابل ملاحظه است، روند شکل‌گیری سرمایه نزولی بوده تا جایی که در سال ۱۴۰۰ عملاً به حدود منفی یک درصد می‌رسد. این کاهش روند رشد خاص شکل‌گیری سرمایه که نشان‌دهنده افت سرمایه‌گذاری است، از عوامل مهم در رشد اقتصادی منفی بوده است.

بهره‌وری عوامل تولید

بهره‌وری عوامل تولید و رشد اقتصادی رابطه‌ای مستقیم و بسیار مهم دارند. بهره‌وری به معنای استفاده کارآمدتر و مؤثرتر از منابع موجود برای تولید کالاها و خدمات است. زمانی که بهره‌وری عوامل تولید افزایش می‌یابد، به‌طور مستقیم موجب افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود. بهره‌وری عوامل تولید از طریق مختلف از جمله افزایش تولید با استفاده از همان منابع، کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری، تشویق به نوآوری و پیشرفت فناوری و افزایش رقابت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری منجر به رشد اقتصادی می‌شود.



شکل ۴: رشد شاخص بهره‌وری عوامل تولید و رشد اقتصادی در دهه نود

منبع: سازمان ملی بهره‌وری جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که در شکل ۴ قابل مشاهده است، رشد بهره‌وری عوامل تولید نیز در دهه نود، مسیر پرنوسانی را طی کرده است و میانگین این شاخص $-۰/۷$ درصد بوده است که عدد پایینی را نشان می‌دهد. همچنین در مقایسه با روند رشد اقتصادی نشان می‌دهد که کاملاً همبسته بود و سال‌هایی که بهره‌وری عوامل تولید رشد داشته، تولید ناخالص داخلی نیز رشد داشته است و در سال‌هایی که بهره‌وری عوامل تولید رشدش منفی بوده، رشد اقتصادی نیز منفی بوده است.

تجارت خارجی

تجارت خارجی نقش بسیار مهمی در رشد اقتصادی کشورهای مختلف ایفا می‌کند. این تجارت به انتقال کالاها، خدمات و سرمایه از یک کشور به کشورهای دیگر اطلاق می‌شود و از طریق فرایندهایی مانند صادرات، واردات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرات قابل توجهی داشته باشد.



شکل ۵: روند حساب جاری در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که در شکل شماره ۵ قابل ملاحظه است، روند حساب جاری در دهه نود، یک مسیر نزولی را طی کرده است و این روند نزولی از آنجا که یک نوع همبستگی با تولید ناخالص داخلی دارد، گواه رشد اقتصادی پایین در دهه نود است.

تورم

تورم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی، نقشی اساسی در تعیین سلامت و پایداری اقتصاد ایفا می‌کند. این پدیده به افزایش مستمر و عمومی قیمت کالاها و خدمات در یک بازه زمانی اشاره دارد و می‌تواند بر جنبه‌های مختلف اقتصادی از جمله تولید، سرمایه‌گذاری، مصرف و تجارت تأثیر بگذارد. درحالی‌که سطحی از تورم معمولاً به‌عنوان نشانه‌ای از رشد اقتصادی سالم در نظر گرفته می‌شود، تورم بالا یا غیرقابل پیش‌بینی می‌تواند تهدیدی برای ثبات اقتصادی باشد و بر رشد بلندمدت اقتصاد تأثیر منفی بگذارد.



شکل ۶: روند تورم در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که در شکل ۶ نشان داده شده است، بر اساس آمارهای بانک مرکزی، وضعیت تورم در دهه نود شمسی بسیار بد بوده است به‌طوری‌که همواره تورم دو رقمی را کشور تجربه کرد و چندین سال تورم‌های بالای ۳۰ و ۴۰ درصد را تجربه کرده است. این تورم بالا موجبات نااطمینانی اقتصادی و کاهش رشد اقتصادی را نتیجه داده است.

تحریم

اقتصاد ایران در دهه نود سال‌های پر از التهاب و پرنوسانی را از حیث تحریم داشته است. در برخی از سال‌ها تحریم‌های شدید بانکی و نفتی بر اقتصاد ایران اعمال شد که نتایج آن نیز در کاهش فروش نفت و همچنین کاهش حجم تجارت کشورها با ایران خود را نشان داد. در جدول زیر خلاصه‌ای از مهم‌ترین تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ ارائه شده است. این جدول شامل اطلاعاتی درباره نوع تحریم، هدف آن و تأثیرات اصلی آن است:

جدول ۱: مهم‌ترین تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲

سال	تحریم‌کننده	نوع تحریم	هدف	تأثیرات اصلی
۲۰۱۲	ایالات متحده و اتحادیه اروپا	تحریم‌های نفتی و بانکی	صادرات نفت، بانک مرکزی ایران	کاهش شدید صادرات نفت، افت ارزش ریال، محدودیت دسترسی به ارز خارجی
۲۰۱۳	ایالات متحده	تحریم‌های بانکی و مالی	بانک‌های ایرانی و تبادلات دلاری	قطع ارتباط با سیستم سوئیفت، افزایش هزینه‌های تجارت بین‌المللی
۲۰۱۵	جامعه بین‌المللی	اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)	کاهش تحریم‌ها در قبال محدودیت برنامه هسته‌ای	افزایش صادرات نفت، بازگشت سرمایه‌گذاران خارجی
۲۰۱۸	ایالات متحده	خروج از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها	نفت، بانک مرکزی، فلزات، خودروسازی	کاهش صادرات نفت به کمتر از ۱ میلیون بشکه در روز، افت شدید ارزش ریال
۲۰۱۹	ایالات متحده	تحریم‌های بخشی و فردی	صنایع پتروشیمی، رهبران نظامی و سیاسی	کاهش درآمدهای ارزی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های صنعتی
۲۰۲۰	ایالات متحده	تحریم‌های تسلیحاتی و مالی	مؤسسات مالی و بخش‌های انرژی	محدودیت شدید بر صادرات و واردات، افزایش تورم
۲۰۲۱	ایالات متحده و اتحادیه اروپا	تمدید تحریم‌ها	برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای	تداوم فشار اقتصادی، تشدید بی‌اعتمادی تجار خارجی
۲۰۲۲	ایالات متحده	تحریم‌های فناوری و حقوق بشر	فناوری‌های نظارتی و رهبران سیاسی	محدودیت در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، تشدید چالش‌های داخلی

منبع: بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول

همان‌طور که در جدول ۱ قابل ملاحظه است، کشور در دهه نود شمسی در معرض سخت‌ترین تحریم‌های بین‌المللی بوده است و این تحریم‌ها با توجه به محدودسازی تجارت خارجی، فروش نفت مسائل بانکی، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشور داشته است. همچنین برخی عوامل نیز به صورت برون‌زا بر روند رشد اقتصادی ایران در دهه نود تأثیر گذاشته است. یکی از مهم‌ترین عوامل برون‌زا بر اقتصاد ایران، کرونا بوده است که نه تنها ایران، بلکه سایر کشورهای جهان را نیز تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها نیز در سال‌های درگیر با کرونا، رشدهای منفی اقتصادی را تجربه کردند.

الزامات و راهکارهای رشد اقتصادی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای مواردی را به‌عنوان الزامات و راهکارهای رشد اقتصادی در بیانات مختلف به آن‌ها اشاره داشته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

بهره‌وری نیروی کار

از مهم‌ترین راهکارهای رشد اقتصاد، بهره‌وری نیروی کار است. بهره‌وری نیروی کار در ایران به دلایل مختلف پایین است و اگر توجه جدی به این مسئله شود؛ موجبات رشد اقتصادی را می‌تواند به همراه داشته باشد. ایشان در بیانات خود می‌فرمایند: «اگر بهره‌وری نیروی کار ارتقا پیدا کند، کیفیت کار ارتقا پیدا خواهد کرد. همین مسئله آموزشی که عرض کردیم، اگر چنانچه تحقق پیدا کند - که قهراً نیروی کار بهره‌وری بیشتری خواهد داشت - قیمت تمام‌شده یا هزینه کار کمتر خواهد شد، این طبعاً کیفیت را ارتقا می‌دهد؛ کیفیت وقتی ارتقا پیدا بکند، قدرت رقابت بیشتر می‌شود و رواج و رونق اقتصادی به وجود می‌آید، مخصوصاً در زمینه صادرات» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷).

توجه به ظرفیت‌های داخلی کشور

کشور ایران ظرفیت‌های بالقوه بسیار زیادی دارد که تاکنون مورد استفاده درست قرار نگرفته است. آیت‌الله خامنه‌ای با درک صحیح از ظرفیت بالقوه‌ای که در کشور وجود دارد، همواره به توجه به این ظرفیت‌ها تأکید کرده‌اند. «آنچه بنده در دو کلمه می‌خواهم عرض بکنم این است که راه، تکیه بر مقدرات و امکانات داخلی و ظرفیت‌های خود این ملت است. ما خیلی ظرفیت داریم. این ملت ظرفیت‌های استفاده نشده زیاد دارد؛ اینکه ما در سیاست‌های برنامه، رشد هشت درصدی را در نظر گرفتیم و گفتیم باید کشور در طول برنامه به رشد هشت درصدی برسد، به خاطر ظرفیت‌های بی‌شماری است که در داخل وجود دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱).

توجه به مقوله عدالت در کنار رشد اقتصادی

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، توجه به مقوله عدالت به‌عنوان یکی از الزامات مهم رشد اقتصادی

همواره مورد تأکید بوده است. در واقع رشد اقتصادی بدون عدالت برای ایشان اصلاً قابل پذیرش نبوده و حتماً باید رشد اقتصادی با عدالت توأمان باشد. «در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. باید مراقبت بکنید که فاصله طبقاتی پیش نیاید؛ این‌ها جزو مسائل اساسی در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ما است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴).

توجه به بنگاه‌های دانش‌بنیان

شرکت‌های دانش‌بنیان با توجه به بهره‌وری بالایی که دارند و نقش ویژه‌ای را که برای تولید ملی می‌توانند داشته باشند همواره مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. «یکی از لازم‌ترین کارها این است که از بنگاه‌های تولیدی متوسط و کوچک حمایت بشود؛ یکی از کارها این است که فعالیت‌های بنگاه‌های دانش‌بنیان تقویت بشود. اینکه ما روی علم و فناوری تکیه می‌کنیم، فقط به خاطر این نیست که می‌خواهیم نصاب علمی خودمان را بالا ببریم؛ پیشرفت علم و فناوری به پیشرفت اقتصاد کمک می‌کند؛ بنگاه‌هایی که دانش‌بنیان هستند می‌توانند به اقتصاد ملی کمک کنند.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

جلوگیری از خام‌فروشی

از مصائب کشور، بالا بودن میزان خام‌فروشی است. هم در صنایع معدنی و هم در صنایع نفتی متأسفانه به‌جای ایجاد ارزش‌افزوده و تولید ثروت از این منابع خدادادی، این محصولات به‌صورت خام فروخته می‌شود و سایر کشورها با ایجاد ارزش‌افزوده‌های آن‌چنانی، سود زیادی را کسب می‌کنند. برای همین مسئله جلوگیری از خام‌فروشی به‌عنوان یکی از راهکارهای جدی برای رشد اقتصادی همواره مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. «یکی از کارهای لازم، نهضت کاهش خام‌فروشی است. اینکه من چندی پیش راجع به وابسته بودن اقتصادمان به نفت اعتراض کردم و در سخنرانی‌هایم، ناظر به این است. ما باید کاری کنیم که خام‌فروشی به‌تدریج کاهش پیدا کند تا اینکه به‌کلی از بین برود؛ باید ارزش‌افزوده ایجاد کرد.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

هدایت اعتبار و نقدینگی

نظام بانکی نقش ویژه‌ای در رشد اقتصادی کشورها دارد. هرچند در عمده کشورها اولویت اول نظام بانکی، کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی است، اما توجه به توسعه و رشد اقتصادی نیز از اولویت‌های بانک‌های مرکزی دنیا است. بانک‌ها می‌توانند با سیاست‌گذاری مناسب و محدود کردن حلق پول به امور تولید و ارزش‌آفرین، نقش کلیدی برای رشد اقتصادی داشته باشند. «بانک‌ها می‌توانند نقش ایفا کنند؛ هم نقش کمک‌کننده و هم نقش تخریب‌کننده؛ این مورد توجه مسئولان ارشد بانکی کشور باید قرار بگیرد. بعضی از بانک‌ها در سرتاسر کشور با شیوه‌های خاص برخی از بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط را به تعطیلی کشاندند؛ ناپود کردند؛ بانک‌ها می‌توانند کمک کنند و یا می‌توانند تخریب کنند.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

کاهش واردات کالاهای مصرفی

از آنجا که کشور خود تولیدکننده بسیاری از کالاها است، صرفاً باید واردات منحصر به کالاهای اولیه و واسطه‌ای ضروری باشد و کالاهای نهایی و مصرفی که در داخل تولید می‌شود نباید به‌هیچ‌عنوان وارد شود. واردات چنین محصولی موجبات از بین رفتن کارگاه‌های تولیدی چنین محصولی را به‌دنبال خواهد داشت.

مبارزه با قاچاق

متأسفانه حجم قاچاق در کشور بسیار زیاد است و قاچاق و واردات بی‌رویه بسیاری از محصولات، تولید داخلی را ضربه زده و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. لازم و ضروری است با پدیده قاچاق به‌صورت جدی برخورد شود.

سیاست‌های اصل ۴۴ و کوچک‌سازی دولت

از مشکلات اقتصاد ایران که به‌صورت تاریخی در کشور نهادینه شده است، نقش پررنگ دولت در مناسبات اقتصادی بوده است. برخلاف اصول قانون اساسی که دولت صرفاً نقش

هدایت‌گری و راهبردی را باید در اقتصاد ایفا کند، متأسفانه با تصدی‌گری که داشته و دارد، کارایی و بهره‌وری را در اقتصاد کاهش داده است و به تبع آن موجب رشد اقتصادی پایین در اقتصاد شده است. سیاست‌های اصل ۴۴ راهکاری برای کاهش تصدی دولت و بالا بردن بهره‌وری و رشد اقتصادی است. «همه اعتراف دارند که سیاست‌های اصل ۴۴ اگر اجرایی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور - در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر - به وجود می‌آید. این هم مسئله بسیار مهمی است. خب، حالا آمارهای خوبی داده شد؛ کارهای خوبی هم انجام گرفته؛ قبل از آنکه این قانون اخیر هم تصویب بشود، دولت اقداماتی در این زمینه انجام داده بود، لیکن حالا خوشبختانه قانون هم تصویب شده و در اختیار شماست؛ قوی و کاملاً جدی این سیاست‌ها را دنبال کنید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲).

جمع‌بندی

رشد اقتصادی پایین یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران در دهه ۹۰ شمسی بوده است که در نتیجه آن، رفاه عمومی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار گرفته است. در حالی که کشور در این دوران به منابع طبیعی غنی، موقعیت استراتژیک و نیروی انسانی جوان و توانمند دسترسی داشته است، اما نتایج رشد اقتصادی در این دهه حاکی از ناامیدی‌هایی در جهت بهبود شاخص‌های اقتصادی بوده است. بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که علل این مشکل را باید در سیاست‌های نادرست اقتصادی، تحریم‌ها، ضعف در مدیریت منابع و ناتوانی در اجرای اصلاحات ساختاری جست‌وجو کرد. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد وضعیت رشد اقتصادی در دهه نود در مقایسه با سایر دهه‌ها کمترین میزان را داشته است. در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تجربه رشدهای منفی بزرگ ۴/۳- و ۳- را داشته‌ایم به طوری که میانگین رشد اقتصادی در دهه نود حدود ۱ درصد بوده است. از طرفی رشد اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصادی هم همین روند پرنوسان و در برخی از سال‌ها رشد منفی بزرگی را تجربه کرده‌اند.

از جمله دلایل کاهش رشد اقتصادی در دهه نود می‌توان به مواردی همچون کاهش سرمایه‌گذاری، بهره‌وری عوامل تولید، تجارت خارجی، تورم، تحریم و عوامل برون‌زایی همچون کرونا اشاره کرد. آیت‌الله خامنه‌ای مواردی را به‌عنوان الزامات و راهکارهای رشد

اقتصادی در بیانات مختلف به آنها اشاره داشته‌اند. از مهم‌ترین راهکارهای رشد اقتصاد، بهره‌وری نیروی کار است. بهره‌وری نیروی کار در ایران به دلایل مختلف پایین است و اگر توجه جدی به این مسئله شود؛ موجبات رشد اقتصادی را می‌تواند به همراه داشته باشد.

همچنین از نگاه ایشان، کشور ایران ظرفیت‌های بالقوه بسیار زیادی دارد که تاکنون مورد استفاده درست قرار نگرفته است. آیت‌الله خامنه‌ای با درک صحیح از ظرفیت بالقوه‌ای که در کشور وجود دارد، همواره به توجه به این ظرفیت‌ها تأکید کرده‌اند. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، توجه به مقوله عدالت به‌عنوان یکی از الزامات مهم رشد اقتصادی همواره مورد تأکید بوده است. در واقع رشد اقتصادی بدون عدالت برای ایشان اصلاً قابل پذیرش نبوده و حتماً باید رشد اقتصادی با عدالت توأمان باشد.

از طرفی شرکت‌های دانش‌بنیان با توجه به بهره‌وری بالایی که دارند و نقش ویژه‌ای را که برای تولید ملی می‌توانند داشته باشند همواره مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. همچنین باید گفت از مصائب کشور بالا بودن میزان خام فروشی است. هم در صنایع معدنی و هم در صنایع نفتی متأسفانه به‌جای ایجاد ارزش‌افزوده و تولید ثروت از این منابع خدادادی، این محصولات به‌صورت خام فروخته می‌شود و سایر کشورها با ایجاد ارزش‌افزوده‌های آن‌چنانی، سود زیادی را کسب می‌کنند. برای همین مسئله جلوگیری از خام فروشی به‌عنوان یکی از راهکارهای جدی برای رشد اقتصادی همواره مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای نظام بانکی و هدایت اعتبار و نقدینگی نقش ویژه‌ای در رشد اقتصادی دارد. هرچند در عمده کشورها اولویت اول نظام بانکی، کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی است، اما توجه به توسعه و رشد اقتصادی نیز از اولویت‌های بانک‌های مرکزی دنیا است. بانک‌ها می‌توانند با سیاست‌گذاری مناسب و محدود کردن حلق پول به امور تولید و ارزش‌آفرین، نقش کلیدی برای رشد اقتصادی داشته باشند.

مسئله واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی و قاچاق نیز مسئله تأثیرگذاری بر تولید داخلی و رشد اقتصادی است. از آنجا که ایران تولیدکننده بسیاری از کالاها است، صرفاً باید واردات منحصر به کالاهای اولیه و واسطه‌ای ضروری باشد و کالاهای نهایی و مصرفی که در داخل تولید می‌شود نباید به‌هیچ‌عنوان وارد شود. واردات چنین محصولی موجبات از بین رفتن کارگاه‌های تولیدی چنین محصولی را پیامد خواهد داشت. همچنین قاچاق و واردات بی‌رویه

بسیاری از محصولات، تولید داخلی را ضربه زده و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. لازم و ضروری است با پدیده قاچاق به‌صورت جدی برخورد شود. مسئله آخر که از اصول قانون اساسی نیز به‌شمار می‌رود کوچک شدن حجم دولت است. از مشکلات اقتصاد ایران که به‌صورت تاریخی در کشور نهادینه شده است، نقش پررنگ دولت در مناسبات اقتصادی بوده است. برخلاف اصول قانون اساسی که دولت صرفاً نقش هدایت‌گری و راهبردی را باید در اقتصاد ایفا کند، متأسفانه با تصدی‌گری که داشته و دارد، کارایی و بهره‌وری را در اقتصاد کاهش داده است و به‌تبع آن موجب رشد اقتصادی پایین در اقتصاد شده است. سیاست‌های اصل ۴۴ راهکاری برای کاهش تصدی دولت و بالا بردن بهره‌وری و رشد اقتصادی است.

فهرست منابع

- احمدی برهان آبادی، مهدیه؛ لشکری، محمد؛ بافنده ایمان دوست، صادق (۱۳۹۸). بررسی پیچیدگی اقتصاد ایران در دهه نود، دانشگاه پیام نور استان خراسان رضوی پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- باقرپور اسکویی، الناز (۱۴۰۳). تحلیل سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور. ماهنامه علمی «امنیت اقتصادی»، ۱۲(۲).
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- حبیب‌پور مقدم، احسان؛ برکچیان، سید مهدی؛ نیلی، مسعود (۱۴۰۰). نقش تعارضات سیاسی در افت شدید سرمایه‌گذاری در دهه ۹۰. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۶(۸۸).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۱/۰۱). بیانات در حرم مطهر رضوی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۶/۰۲). بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۶/۰۴). بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱/۱۱/۱۰). بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۵/۱۱). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۰۲/۱۷). بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی.
- سازمان ملی بهره‌وری جمهوری اسلامی ایران.
- الهایی، جعفر (۱۴۰۳). چالش‌های نظام بازنشستگی در دهه ۹۰ شمسی: مورد مطالعه سازمان تأمین اجتماعی. مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۱(۳).
- Aschauer, D. A. (1989). Is Public Expenditure Productive? *Journal of Monetary Economics*, 23(2), 177–200
- Borjas, G. J. (1995). The Economic Benefits from Immigration. *Journal of Economic Perspectives*, 9(2), 3–22.
- Grossman, G. M, & Helpman, E. (1991). *Innovation and Growth in the Global Economy*. MIT Press.
- Hall, R. E, & Jones, C. I. (1999). Why Do Some Countries Produce So Much More Output per Worker than Others? *Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83–116.
- International Monetary Fund (IMF). (2024). *Global Economic Outlook: Balancing Growth and Inflation*. Retrieved from IMF.org.
- Krugman, P. R. (1980). Scale Economies, Product Differentiation, and the Pattern of Trade. *American Economic Review*, 70(5), 950–959.
- Porter, M. E. (1990). *The Competitive Advantage of Nations*. Free Press.
- Ricardo, D. (1817). *On the Principles of Political Economy and Taxation*. John Murray.

- Romer, P. M. (1990). Endogenous Technological Change. *Journal of Political Economy*, 98(5), S71–S102.
- Romer, P. M. (1990). Endogenous Technological Change. *Journal of Political Economy*, 98(5), S71–S102.
- Solow, R. M. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 70(1), 65–94.
- The Conference Board. (2024). Economic Forecast for the United States: Inflation and Growth. Retrieved from Conference-Board.org.
- The Times. (2024). Rachel Reeves on UK Economic Woes. Retrieved from TheTimes.co.uk.
- The Times. (2024). UK Economy Edges Closer to Stagflation. Retrieved from TheTimes.co.uk.
- World Bank. (2023). *Inequality and Inflation: Global Perspectives*. Washington, DC: World Bank Publications.